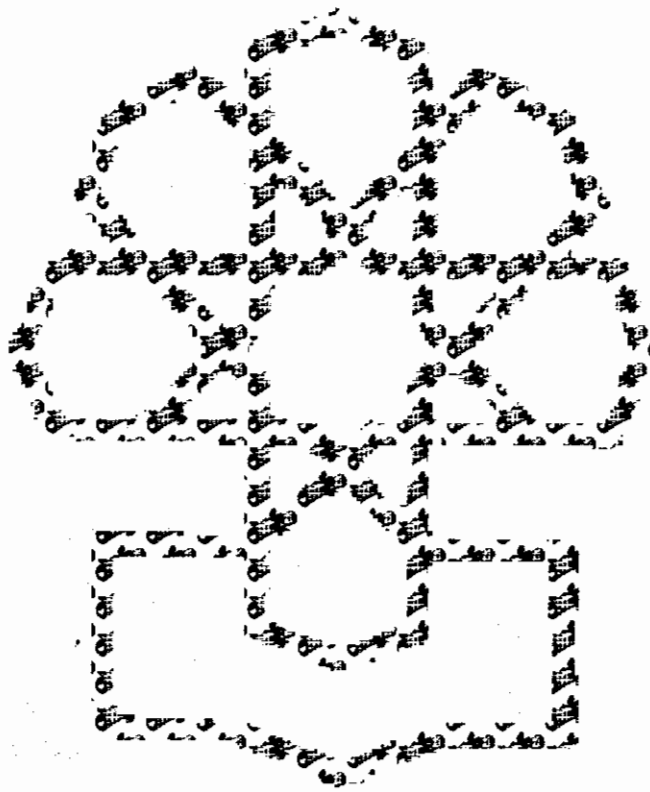


۱۶۳۴ ۱۶۳۴



زن، اشتغال و تعاون



معاونت پژوهشی

شهریور ۱۳۷۵

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این گزارش به درخواست سرکار خانم فیاض بخش،
نماینده محترم تهران در مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

کد گزارش: ۲۹۰۱۶۳۴

زن، اشتغال و تعاون

کد گزارش: ۲۹۰۱۶۳۴

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	فصل اول - جایگاه زن در اسلام
۳	نقش زن در خانواده
۴	فصل دوم - وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران
۴	وضعیت زنان تا سال ۱۳۶۷
۴	وضعیت زنان در دوران سازندگی
۵	زن از دیدگاه قانون
۵	فصل سوم - وضعیت اشتغال زنان در نظام جمهوری اسلامی
۵	قوانین و مقررات مربوط به اشتغال زنان
۶	اشتغال زنان در گروه‌های عمده شغلی
۷	اشتغال زنان در گروه‌های عمده فعالیت
۸	اشتغال زنان در بخش دولتی
۸	اشتغال زنان در بخش خصوصی
۸	مشکلات اشتغال زنان
۹	فصل چهارم - زنان و بخش تعاونی در نظام جمهوری اسلامی
۹	جلوه‌هایی از حضور زنان در بخش تعاونی
۱۰	فصل پنجم - رهیافت‌ها

جهان در دهه اخیر نظاره گر توجه محافل بین‌المللی به «امور زنان» و تصویب قوانینی بوده است، تا ضمن پایان بخشیدن به تبعیضات گوناگون علیه زنان، امکان مشارکت آنان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورد. از سوی دیگر، ایفای نقش سازنده توسط زنان در هر کشور، به شدت به شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی آن کشور بستگی دارد.

«صلح»، «توسعه» و «برابری»، سه شعار اصلی زنان جهان در «کنگره نایروبی» بوده و در استراتژی‌های اتخاذ شده در «نایروبی»، پیگیری قاطعانه جامعه بین‌المللی برای برقراری نظم نوین اقتصاد بین‌الملل به صراحت بیان شده است، لکن در اسناد اجلاس «کمیسیون مقام زن» در «نیویورک» که در سال ۱۹۹۵ برگزار گردیده، آمده است:

«اهداف پیش‌بینی شده در استراتژی متخذه برای پیشرفت بانوان محقق نگشته است و علی‌رغم کوشش‌های دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و زنان و مردان، موانع بیشماری در ارتباط با اختیار دادن به زنان وجود دارد.»

به نظر می‌رسد بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از مداخله قدرت‌های بزرگ در امور کشورهای کوچک، تجاوز نظامی به کشورهای دیگر، عدم توجه به فشارهای بین‌المللی ناشی از نفوذ قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل متحد، بی‌توجهی به بافت فرهنگی کشورها، فقر و محرومیت توصیف ناپذیر کشورهای توسعه نیافته، عدم توجه به فشارهای روانی زنان در کشورهای در حال جنگ از سوی مجامع بین‌المللی، امکان تحقق مساوات و استقلال و توجه به منافع عامه را تقریباً غیر ممکن ساخته و برقراری «نظم نوین اقتصادی» به استثمار و بهره‌کشی هر چه بیشتر از کشورهای جهان سوم منجر شده است.

در مورد توسعه نیز باید گفت تعاریفی که نمایه‌های بین‌المللی از آن ارائه کرده‌اند، نشان دهنده جایگاه واقعی ملت‌ها در روند توسعه نیست. به نظر می‌رسد که مشکل عمده در تبیین سیاست‌های توسعه، عدم توجه به بافت و ساختارهای فرهنگی و بومی کشورهاست. واضح است که در دورنمایی نه چندان روشن از توسعه، چهره «زن در توسعه» نیز تا حدود زیادی مبهم، تاریک و نامشخص است. به طور کلی، توسعه را باید در دو بعد معنوی و مادی تعریف کرد. در بسیاری از کشورها، عدم توسعه از جمیع جهات و به مفهوم واقعی، به سبب نداشتن پشتوانه ایدئولوژیکی و معنوی و یا عدم اتصال وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان به پشتوانه مزبور است.

جمهوری اسلامی ایران، واژه توسعه را درباره زنان با دریافت مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی مورد نظر قرار می‌دهد و از این نظرگاه است که به نمایه‌های بین‌المللی توجه کرده و از قوانینی استقبال می‌نماید که در جهت رشد و اعتلای منزلت زن وضع شود.

فصل اول - جایگاه زن در اسلام

اسلام که نظام هستی را با همه تفاوت‌های آن، یک نظام واحد الهی و مجموعه‌ای به هم پیوسته می‌داند، در جامعه انسانی، زن و مرد را مکمل یکدیگر دیده و آنها را در شئون انسانی یکسان می‌داند و برای تفاوت‌ها و

تمايزات بُعد بشری و مادی زن، حقوق و امتیازات متفاوتی پیش‌بینی نموده است. از دیدگاه قرآن، انسان‌ها - اعم از زن و مرد - در داشتن روح الهی و مقام خلیفه‌اللهی در مخاطبت و حی، اهداف خلقت، سیر کمالات روحانی و رسیدن به مقام قرب، نزول و انحطاط و در معرض وسوسه‌های شیطانی قرار گرفتن، با یکدیگر مساوی هستند. درک فرامین الهی و تعقل در آیات و ادراکات قلبی، پذیرش مسئولیت در قبال خداوند و حمایت از حکومت اسلامی و مسئولیت در قبال مسائل اجتماعی به عنوان «حق» و «تکلیف»، از وظایف اولیه هر زن و مرد مسلمان است.

ارتقای بینش‌ها و منش‌ها، برخورداری از حیات طیبه، حفظ کرامت انسانی، آزادی فردی و اجتماعی، عدم تحمل ظلم، رشد استعدادهای بالقوه، کسب علم و دانش و ساختن دنیای مطلوب، از آرمان‌های هر زن و مردی است، اما برخورداری زن از احساس قوی‌تر، او را محور اصلی تلطیف عاطفی جامعه نموده است. تا از بروز خشونت‌ها و تجاوزها که مانع بقای انسان‌هاست، جلوگیری شود. به همین دلیل، زن در تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد. زن در مسائل تربیتی و پرورشی، مسئولیتی بس خطیر دارد. او نه تنها مسئول کمال خویش است، که مسئولیت سعادت یا شقاوت نسل آینده را نیز بر عهده دارد.

به دلیل ویژگی‌های خاص جسمانی و نقش زن در خلقت، در بعضی از احکام و تکالیف، به زن تخفیف، رخصت و امتیازاتی داده شده است. در واقع از این دیدگاه، یکسان دیدن زن و مرد در تمام جهات و انعکاس آن در تدوین قوانین، باعث تبعیض علیه زن و باعث تضییع بعضی از حقوق طبیعی وی می‌شود. پس زن، متناسب با شرایط جسمانی و روحی خود می‌تواند در توسعه، مشارکت بیشتری داشته باشد.

در مکتب حیات بخش اسلام، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری، مدیریت اقتصادی و انسانی، ایجاد هماهنگی میان نقش‌ها و مسئولیت‌های خاص وی در خانواده، تربیت اسلامی و اجتماعی، حائز اهمیت بسیار است. دولت اسلامی موظف است امکانات و تمهیدات لازم را در جهت رشد توان علمی، تربیتی و ارتقای فرهنگی و سیاسی زن فراهم آورد. لذا با تنظیم قوانین در زمینه بهبود روابط اجتماعی برای ایجاد هنجارهای مطلوب جامعه، آزادی و استقلال او را تأمین می‌نماید، تا با بهره‌وری از حضور متفکرانه، منطقی و عقیف زن، از نگرش ابزارگونه و شهوانی به او ممانعت شود و با طرح پوششی خاص برای حضور وی در اجتماع به نام «حجاب» که نشانه ادراک و معرفت زن است، زمینه فعالیت مطلوب‌تر او را در کلیه عرصه‌ها و صحنه‌های اجتماعی به دور از نمودهای جنسی فراهم آورد تا از ایجاد زمینه ایذا و تعدی و خشونت علیه او پیشگیری شود. شیوه‌های رفتاری و ظاهری و نیز نوع پوشش هر فرد نمایانگر باورها و اعتقادات قلبی و نظام ارزشی مطلوب اوست و قبل از خود انسان، ارزش‌های مورد قبول وی را اعلام می‌دارد.

در این صورت، زن، حق و تکلیف دارد و در عرصه‌های مختلف اجتماع حضور فعال می‌یابد و خود و خانواده و جامعه را از وجود انسانی خویش بهره‌مند سازد. نتیجه آن که اسلام با تأکید بر تساوی، بر عدم تشابه و همگونی زن و مرد اصرار دارد و به منظور عدم تضییع حقوق همه جانبه زن، جایگاه ویژه‌ای برای او پیش‌بینی کرده است.

نقش زن در خانواده

جامعه بزرگ بشری از جوامع کوچک خانوادگی تشکیل می‌گردد و قانون خلقت با ایجاد تفاوت‌هایی بین زن

و مرد، تناسب لازم برای زندگی مشترک را به وجود آورده است. اساس خانواده بر محور دوستی انسانی و عقلی تأمین می‌گردد نه بر مدار غرایز. زن مظهر جمال الهی است و رأفت و عاطفه را در مرد دمیده و او را آرام می‌کند، سپس به کمک همان عنصر آرام و فرد رنوف و مطمئن شده خانواده، ارحام مهربان را تشکیل می‌دهد. لذا اصالت خانواده به عهده زن است و پایه اصیل تأسیس حوزه رحامت و تشکیل حکومت، مهر و رأفت زن خواهد بود.

اگر چه اصل در تشکیل خانواده از لحاظ مدیریت و تأمین هزینه و تعهد کارهای اجرایی و سرپرستی و دفاع از حوزه تدبیر خانواده، مرد است، ولی مادامی که سبب رأفت در بین اعضای خانواده پدید نیاید، هنگام شکل مجتمعی رسمی (جامعه بزرگ بشری) از آنها، هرگز میانشان روح تعاون و پیوند دوستی برقرار نخواهد شد. مهم‌ترین عاملی که بین افراد خانواده، رأفت و گذشت و ایثار را زنده می‌کند، تجلی روح مادر در میان اعضای خانواده است؛ زیرا مادر مبدأ پیدایش و پرورش فرزندان است که هر کدام به دیگری وابسته‌اند و در مکتب دین، حفظ این پیوند و فراموش نکردن آن از واجبات مهم به شمار آمده است و اگر کسی این پیوند فطری و دینی را قطع نماید، از رحمت و ویژه الهی محروم خواهد گردید.

فصل دوم - وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران

بر اساس آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰، حدود ۴۸ درصد از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند. بنا بر آمار موجود، جمعیت زنان در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰، روندی صعودی پیموده و از ۱۶ میلیون نفر به ۲۷ میلیون نفر رسیده است.

وضعیت زنان تا سال ۱۳۶۷

مبارزات زنان در راستای پیروزی انقلاب اسلامی و حضور فعال آنها در جریان جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی، حضور مؤثرتر آنان را در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به دنبال داشته است. زنان در خلال این دو دهه به طور وسیعی وارد صحنه‌های سیاسی شده و پس از آن، با برنامه‌ریزی و اتخاذ تمهیداتی از سوی نظام جمهوری اسلامی، ضمن مشارکت فعال‌تر در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، در روند تصمیم‌گیری‌ها حضور چشمگیرتری یافتند.

هدف از مبارزات زنان در انقلاب اسلامی که به طور وسیعی صورت پذیرفت، یک امر صنفی و مختص به زنان نبود، بلکه موضوعی فراتر از آن محسوب می‌شد. این حرکت زنان مصداق بارز یک حرکت جمعی مبتنی بر ارزش‌های دینی و اجتماعی بود. از بعد اقتصادی نیز این دهه با تحولات و فشارهای ناشی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تحریم اقتصادی دولت‌های غربی، شاهد رشد روحیه استقلال و خودکفایی در مراکز تولیدی و تحقیقی و حضور فعال زنان در این زمینه بود.

وضعیت زنان در دوران سازندگی

پس از پایان جنگ تحمیلی و هم‌زمان با عملیات بازسازی، اجرای برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مرحله اجرا گذاشته شد. حضور در صحنه‌های بازسازی و شرکت فعال در عملی

ساختن برنامه اول، تعدادی از محورهای مشارکت زنان محسوب می‌شود. از سوی دیگر، شرکت فعال زنان در همه‌پرسی‌ها، نشانه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وسیع آنان به شمار می‌رود. حضور زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی - چه به عنوان رأی دهنده و چه به عنوان نامزد - رشد فزاینده‌ای داشته و در آخرین انتخابات ریاست جمهوری نیز ۴۴ درصد از کل آرا متعلق به زنان بود.

حضور زنان در سطوح اجرایی و مدیریتی روز به روز افزایش یافته و زمینه احراز پست‌های کلیدی در امور برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای آنان فراهم آمده است. به عنوان مثال در وزارتخانه‌هایی مانند بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی، حدود نیمی از مشاغل به زنان اختصاص یافته است.

زن از دیدگاه قانون

قوانین اسلامی، قانون اساسی، قوانین مدنی، عادی و کیفری و تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها و بخش‌نامه‌های صادره از سوی دولت، مهم‌ترین ابزار قانونی برای حمایت از حقوق زنان به شمار می‌رود. قوانین اساسی و مدنی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم السلام تدوین شده و قوانین عادی در چارچوب شرع و قانون اساسی برای تنظیم روابط اجتماعی و نیازهای جامعه با توجه به شرایط زمانی و مکانی وضع گردیده است.

در اصول سوم، دهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و هشتم، بیست و نهم و سی‌ام قانون اساسی، تعدادی از حقوق زنان و خانواده و چگونگی دستیابی به آنها بر شمرده شده است.

فصل سوم - وضعیت اشتغال زنان در نظام جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی هم‌چنان که برای نقش مادری زن و سهم حساس وی در بقا و گرمی کانون خانواده ارزش و اهمیت فراوان قائل است، اشتغال زنان و فعالیت اجتماعی و اقتصادی آنان را نیز مهم و سودمند تلقی کرده است. در دیباچه قانون اساسی آمده است که زن «ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی و پیشاهنگ خود، هم‌رزم مردان در میدان فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود». سیاست‌های اشتغال زنان (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)، سیاست‌های حمایتی را به منظور گسترش مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تبیین نموده است. در قانون کار نیز ضمن توجه به کلیه توصیه‌های بین‌المللی در مورد زنان، کوشش شده است که به لحاظ اهمیتی که اسلام برای نقش زن در خانواده قائل است، مقررات مربوط طوری تهیه شود که زنان ضمن اشتغال در مشاغل مختلف بتوانند به وظایف مهم خود در خانواده عمل کنند.

قوانین و مقررات مربوط به اشتغال زنان

تعدادی از قوانین و مقررات مربوط به اشتغال زنان به شرح زیر است:

- اجازه مرخصی بدون حقوق برای کارمندی که ناگزیر باشد به اتفاق همسرش به خارج از محل خدمت

- سفر کند (مجموعه قوانین استخدامی، آیین نامه مرخصی ها، ماده ۳۲ بند ۳، مصوب ۱۳۴۶/۷/۲۲)؛
- استفاده بیمه شده از کمک های مربوط به بارداری (قانون تأمین اجتماعی، ماده ۶۳، مصوب ۱۳۵۴/۴/۳)؛
 - استفاده بیمه شده از کمک ها و معاینات مربوط به زایمان (قانون تأمین اجتماعی، ماده ۶۸، مصوب ۱۳۵۴/۴/۳)؛
 - لایحه قانونی راجع به معافیت زنان متأهل پزشک، دندانپزشک و داروساز برای گرفتن پروانه دائم از رفتن به خارج از تهران (مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۰)؛
 - تقلیل ساعت کار بانوان در قانون خدمت نیمه وقت بانوان (قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان، مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۸)؛
 - قانون نحوه اجرای قانون خدمت نیمه وقت بانوان (مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۸)؛
 - قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه شدگان تأمین اجتماعی (کارگران با داشتن ۵۵ سال سن با سابقه پرداخت ۲۰ سال می توانند درخواست بازنشستگی کنند)؛
 - قانون اشتغال بانوان در قوه قضاییه با پایه قضایی؛
 - ممنوعیت انجام کارهای سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز برای زنان (قانون کار، ماده ۷۶، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - پیش بینی جمعاً ۹۰ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان (قانون کار، ماده ۷۶، صوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - لزوم تغییر کار زنان باردار در صورتی که کارشان سخت و خطرناک باشد (قانون کار، ماده ۷۷، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد، باید به مرد و زن دستمزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان دستمزد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است (قانون کار، ماده ۳۸، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - اعطای مرخصی به کارمند به علت بیماری خود یا بیماری شدید پدر، مادر، داراشدن فرزند، فوت همسر و اقربای او (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - آزادی زن در انتخاب شغل برای خود در جایی که شئونات خانوادگی او رعایت بشود (قانون کار، ماده ۶، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹).

اشتغال زنان در گروه های عمده شغلی

مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵، از جمعیت ۹/۲ میلیون نفری زنان ۱۵ ساله و بالاتر کشور، یک میلیون نفر، یعنی ۱۱/۱ درصد جمعیت مزبور شاغل بوده اند. در سال ۱۳۶۵ از ۱۳ میلیون زن پانزده ساله و بیشتر، ۹۰۲ هزار نفر (معادل ۶/۸ درصد جامعه آماری مورد نظر) شاغل گزارش شده اند و در آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰، جمعیت پانزده ساله به بالای زنان، ۱۵ میلیون نفر برآورد شده است که ۱/۱ میلیون نفر آنها (۷/۶ درصد) شاغل به حساب آمده اند.

در سال ۱۳۵۵، نسبت زنان شاغل در گروه عمده شغلی علمی، فنی و تخصصی، ۱۳ درصد و در سال

۱۳۶۵، ۳۲/۸ درصد و در سال ۱۳۷۰، ۳۹/۷ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۰ در این گروه، ۴۵۷ هزار زن پانزده ساله و بیشتر به کار اشتغال داشته‌اند که معلمان و مدرسان زن با ۶۷/۲ درصد، پزشکان و داروسازان و ماماها و پرستاران با ۱۳/۱ درصد و حسابداران با ۲/۵ درصد، بیشترین شاغلان گروه در سال ۱۳۷۰ بوده‌اند.

اشتغال زنان در گروه‌های عمده فعالیت

زنان شاغل در بخش خدمات در سال ۱۳۵۵، ۳۱۷ هزار نفر بوده‌اند. در سال ۱۳۶۵، حدود ۴۴۸ هزار نفر و در سال ۱۳۷۰، بیشتر از ۶۵۰ هزار نفر از زنان در این بخش به خدمت اشتغال داشته‌اند. بنابراین، ظرف مدت پانزده سال، حدود ۳۳۰ هزار فرصت شغلی تازه برای زنان در این بخش به وجود آمده است.

بیشترین شاغلان زن در بخش خدمات (حدود ۹۲ درصد) در گروه خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی فعالیت داشته‌اند. گفتنی است که از ۶۰۹ هزار نفر زن شاغل در گروه اخیر در سال ۱۳۷۰، زنان شهرنشین ۵۵۴ هزار شغل را در اختیار داشته‌اند و سهم زنان روستایی از این میان، تنها ۵۵ هزار شغل بوده است.

ماهیت مشاغل زنان این گروه شغلی که فعالیت‌های مربوط به خدمات درمانی، بهداشت و آموزش رانیز دربرمی‌گیرد به گونه‌ای است که می‌تواند در کند کردن یا شتاب بخشیدن به روند مهاجرت روستاییان به شهرها، بسیار مؤثر باشد. بنابراین، لازم است توازن و تعادل این گونه مشاغل در تصدی زنان، در شهرها و روستاها مورد توجه قرار گیرد.

میزان اشتغال زنان در گروه عمده فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری در خلال سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و سپس تا سال ۱۳۷۰، فراز و فرودی بدین شکل داشته است که در سال اول ۱۸/۸، در سال دوم ۲۶/۶ و در سومین مقطع آمارگیری، ۱۳ درصد را نشان می‌دهد.

در فاصله پنج سال اول از سال ۱۳۶۵، زنان تقریباً ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در این گروه را از دست داده‌اند. البته افزایش امکانات تحصیلی و راغب شدن مردم به ویژه روستاییان به گسیل دخترانشان به مدارس و در نتیجه ترک مزارع توسط این دختران را به عنوان دلیلی در این مورد باید مطرح نظر قرار داد.

عدم تمایل روستاییان به اعلام اشتغال زنان و اصولاً شاغل نشناختن زنان روستایی از سوی خانواده را می‌توان دلیل عمده برای کاهش سطح اشتغال زنان در آمارگیری‌ها دانست. متأسفانه شیوه‌های فعلی آمارگیری میزان اشتغال زنان در کارهای کشاورزی و جانی را دقیقاً معین و معلوم نمی‌کند و بسیاری از کارهای زنان، همچون قالی بافی و صنایع دستی، میوه خشک کنی، شیر دوشی و پخت نان و ... جزء وظایف خانه‌داری محسوب شده و اشتغال به حساب نمی‌آید.

تعداد زنان شاغل در بخش صنعت که فعالیت‌های مربوط به استخراج معادن، آب و برق و گاز ساختمان و صنعت به معنای خاص را شامل می‌شود، در سال ۱۳۵۵، متجاوز از ۶۵۰ هزار نفر و در سال ۱۳۶۵، بالغ بر ۲۲۳ هزار نفر بوده‌اند. رقم اخیر در سال ۱۳۷۰ به ۳۱۷ هزار نفر افزایش یافته است. همچنان که مشهود است، تعداد شاغلان زن در سال ۱۳۶۵ به نسبت مقطع اول، در بخش صنعت کاهش یافته و سپس در مقطع سوم آمارگیری افزایش یافته است. زنان در سال ۱۳۵۵، نزدیک به ۳۸ درصد اشتغال در بخش صنعت را به خود اختصاص داده بودند، در حالی که در سال ۱۳۷۰، این میزان به ۱۵ درصد تنزل کرده است.

اشتغال زنان در بخش دولتی

بر اساس آمارهای موجود، در سال ۱۳۷۲ جمعاً ۱/۹۷ میلیون نفر در بخش دولتی مشغول به کار بوده‌اند که ۶۰۳ هزار نفر آنان را زنان تشکیل می‌داده‌اند. در سال ۱۳۷۰ جمعاً ۲/۰۸ میلیون نفر در بخش دولتی به کار اشتغال داشته‌اند که ۵۳۲ هزار نفر ایشان را زنان شامل می‌شده‌اند. بررسی آماری نشان می‌دهد که تعداد کارکنان زن در بخش دولتی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ نزدیک به دو برابر شده است و این، نشانه توجه دولت به استفاده از خدمات زنان در دستگاه‌های دولتی است. نکته قابل توجه این که در بخش دولتی، زنان در مشاغل تخصصی‌تر به کار گرفته شده‌اند.

بیشترین تعداد زنان یعنی ۴۳/۸ درصد آنان، در وزارت آموزش و پرورش اشتغال به کار داشته‌اند و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی با استفاده از خدمات ۴ درصد از آنان، در مرحله دوم قرار دارد. کمترین میزان استفاده از خدمات زنان (کمتر از ۵ درصد) مربوط به وزارتخانه‌هایی با وظایف فنی و صنعتی مانند وزارت نیرو، معادن و فلزات و امثال آنها بوده است.

در حال حاضر، ۳۳/۶ درصد زنان شاغل در بخش دولتی دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر هستند که این رقم در سال ۱۳۵۷، ۱۹/۵ درصد بوده است.

اشتغال زنان در بخش خصوصی

بر اساس آمار موجود، در سال ۱۳۷۲ جمعاً ۳,۵۳۹,۶۴۰ نفر شاغل در بخش خصوصی و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بوده‌اند که ۲۳۶,۶۵۸ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌داده‌اند. این تعداد در مقایسه با ۱۰۹,۱۱۹ زن بیمه شده در سال ۱۳۶۲، ۱۲۷,۵۳۹ نفر افزایش داشته و نسبت به ۸۸,۲۶۳ نفر زن بیمه شده در سال ۱۳۵۸ نیز ۱۴۸,۳۹۵ نفر افزایش نشان می‌دهد.

بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که بیشترین تعداد شاغلان زن در گروه حقوق بگیر قرار دارند. در سال ۱۳۷۰، تقریباً ۶۰ درصد زنان شاغل در کل کشور و ۸۳/۳ درصد زنان شاغل شهری، حقوق ماهیانه یا دستمزد می‌گرفته‌اند. بعد از گروه فوق، کارکنان مستقل بالاترین نسبت (۲۰/۹ درصد) را دارا هستند. نسبت اشتغال زنان در گروه کارکنان مستقل در سال ۱۳۷۰، نسبت به سال ۱۳۵۵ دو برابر شده و از ۱۰/۸ درصد به ۲۰/۹ درصد رسیده است. پس از این گروه، کارکنان فامیلی بدون مزد قرار دارند که نسبتشان از ۴۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است و علت آن را باید در تغییر الگوی معیشتی و کنش‌های اقتصادی خانواده در سال‌های اخیر جستجو کرد که افراد خانواده عمدتاً به شغل‌های مستقل روی آورده‌اند.

مشکلات اشتغال زنان

تعدادی از مشکلات اشتغال زنان را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

- ۱- پایین بودن سطح تحصیلات؛
- ۲- تمایل زنان به اشتغال در بخش‌های دولتی؛
- ۳- عدم برخورداری زنان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- ۴- پایین بودن سطح دستمزد؛

۵- علاقه‌مندی کارفرمایان به استفاده از مردان؛

۶- محدودیت‌های شغلی؛

۷- مشکلات مربوط به محیط و ساعت کار.

فصل چهارم - زنان و بخش تعاونی در نظام جمهوری اسلامی

شکی نیست که حدود نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و این گروه که عهده‌دار تنظیم امور خانوادگی و تعیین‌کننده مسیر اقتصادی خانواده محسوب می‌شوند، دخالت مستقیم در امور اقتصادی و تنظیم بودجه خانوادگی دارند. هر نهضتی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد، ناگزیر است که از توجه و همکاری طبقه‌ای که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند بهره‌مند گردد. آزادی‌های اجتماعی و حقوق سیاسی زنان در جهان امروزی که ارمغان روشنفکری و اشاعه علم و دانش در میان طبقه زنان جامعه کنونی است و همچنین بهره‌مندی از مزایای اجتماعی که امروزه در جوامع مسلمان به فراخور اوضاع و احوال آن به چشم می‌خورد، موجب گردید تا توجه به نهضت تعاونی را که همواره از روابط افراد جامعه نیرو می‌گیرد و برای بهبود زندگی همه طبقات مردم در تلاش است، به خود جلب کند.

مشارکت زنان در گروه‌های تعاونی - چه به صورت مختلط و چه تعاونی زنان - علاوه بر رفع نیازهای اقتصادی، آنان را صاحب اختیار و قدرت می‌نماید. البته با این پیش فرض که تعاونی بر پایه اصول مشارکت واقعی تشکیل گردد. همان گونه که در بیانیه «راهبردهای آینده نایروبی برای پیشرفت زنان» آمده است، تعاونی‌ها می‌توانند برای دفاع از منافع سیاسی و اقتصادی زنان منشأ اثر بوده و تبلیغ نمایند.

نظام جمهوری اسلامی نیز اگر چه تلاش‌هایی را در راستای حضور زنان در بخش تعاونی آغاز کرده است، ولی تا رسیدن به سر منزل مقصود راه درازی در پیش دارد. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، ریاست جمهوری در پیام سال گذشته خویش به «سمینار تعاون، زن و اشتغال» ضمن تذکر این نکته، حضور فعال زنان در بخش تعاونی کشور را خاطر نشان کرده‌اند. در قسمتی از این پیام آمده است:

«آمار و اطلاعات مربوط به مشارکت و فعالیت زنان در بخش تعاونی کشور، نشانگر این واقعیت است که بانوان در این بخش، سهم و وظیفه واقعی خود را احراز ننموده‌اند. برای جبران این نقیصه، جامعه زنان کشور همان گونه که در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حضور ارزشمند خود را به ثبوت رساندند، باید جایگاه واقعی خویش را در فعالیت‌های جمعی و به ویژه تعاونی بیابند و مراکز مسئول امور فرهنگی باید نسبت به انجام رسالت خود، بیش از پیش تلاش و همت به خرج دهند و عرصه را برای پذیرش و گرایش جامعه بانوان کشور در تشکل‌های تعاونی گسترده‌تر نمایند. مهم‌تر از همه، وزارت تعاون باید برای ایجاد تشکل‌های بانوان در قالب تعاونی به نحو مطلوب و شایسته، برنامه‌ریزی و پیگیری کند.»

جلوه‌هایی از حضور زنان در بخش تعاونی

با مطالعه وضعیت موجود شرکت‌های تعاونی که بیش از ۵۰ درصد اعضا یا شاغلان آنها را بانوان تشکیل می‌دهند، ملاحظه می‌شود که تعداد کل تعاونی‌های مذکور به ۴۴۲ تعاونی بالغ می‌گردد. از این تعداد، ۳۷۸

واحد (۸۵ درصد) در بخش صنعت، ۴۶ واحد (۱۱ درصد) در بخش خدمات و ۱۸ واحد (۴ درصد) در بخش کشاورزی فعال است. تعداد کل اعضا در بخش های سه گانه صنعت، خدمات و کشاورزی، ۶۷۲۰۶ نفر می باشد که ۶۶۶۴۸ نفر آنان در تعاونی ها مشغول به کارند. ۶۰۷۵۹ نفر (۹۰ درصد) از اعضا و ۵۷۱۸۸ نفر (۸۶ درصد) از شاغلان، زن هستند. مجموع اعتبارات بانکی مصوب برای طرح های تعاونی یاد شده ۴۳۴۸۱/۴۴ میلیون ریال بوده است. از طرح های مزبور، تعداد ۱۶۶ طرح مربوط به تعاونی های فرش دستباف با ۴۶۴۰۶ نفر شاغل است که مشغول فعالیت می باشند.

به منظور تشکیل و توسعه تعاونی های زنان در سال ۱۳۷۴ پیش بینی شده بود که ۵۲۸ تعاونی در رشته های مختلف تأسیس شود. پراکندگی طرح های فوق به تفکیک بخش عبارت است از: بخش صنعت ۳۵۶ تعاونی، بخش خدمات ۱۷۰ تعاونی و بخش کشاورزی ۲ تعاونی. قابلیت اشتغال زایی طرح های یاد شده ۱۱۶۹۸ نفر بوده و سرمایه گذاری مورد نیاز ۸۴۷۰۱ میلیون ریال می باشد. همچنین پیش بینی گردیده بود که از این تعداد، ۹۴ تعاونی فرش دستباف با ظرفیت اشتغال زایی برای ۶۹۱۳ نفر تأسیس گردد.

اهم فعالیت های زنان در بخش های مختلف اقتصادی به ویژه بخش تعاونی، به شرح زیر است:

الف - بخش صنعت: فرش دستباف، صنایع دستی، صنایع غذایی، صنایع دارویی، صنایع الکترونیک، صنایع پوشاک، جوراب بافی و تولید اسباب بازی.

ب - بخش خدمات: مدارس و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی، خدمات بهداشتی و درمانی، مجتمع های فرهنگی و ورزشی، آموزشگاه های آزاد، آسایشگاه های سالمندان و مهد کودک.

ج - بخش کشاورزی: پرورش گل و گیاه، پرورش زنبور عسل، پرورش کرم ابریشم، تولیدات لبنی و بسته بندی محصولات کشاورزی.

فصل پنجم - رهیافت ها

به منظور رفع مشکل اشتغال زنان و تقویت و گسترش حضور فعال آنان در بخش تعاونی، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱- افزایش سطح دانش و تحصیلات زنان و دادن آموزش های فنی و حرفه ای لازم به آنان به منظور یافتن شغل مناسب؛

۲- مطالعه و شناخت زمینه های فرهنگی لازم برای اشتغال زنان؛

۳- شناسایی توانایی های زنان برای اشتغال در بخش های مختلف و رفع محدودیت های شغلی این گروه؛

۴- تجدید نظر در اعطای حقوق بازنشستگی و مزایای زنان پس از فوت آنها به بستگانشان؛

۵- توسعه فرهنگ تعاون در میان زنان از طریق ارائه آموزش های لازم و شناسایی زمینه های تعاون و همکاری میان آنان براساس ارزش های والای دینی و مکتبی؛

۶- به عضویت در آوردن زنان در طرح هایی که با ویژگی های جسمی و روحی آنان متناسب است؛

۷- حمایت مجلس شورای اسلامی و دولت از تصویب و اجرای طرح هایی به منظور گسترش فعالیت زنان در بخش تعاونی؛

۸- بررسی زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و انجام تحقیقات علمی لازم به منظور زمینه یابی برای

ایجاد و گسترش فعالیت‌های مرتبط با استعدادها و قابلیت‌های زنان به ویژه در بخش تعاونی؛
۹- ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت دادن زنان در تصمیم‌گیری‌های اساسی تعاونی‌ها و اداره امور اجرایی
مرتبط با فعالیت زنان؛

۱۰- آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیریتی زنان به منظور کسب مهارت‌های لازم و آگاهی کافی از اصول و
مفاهیم تعاون و برخورداری از مزایای فعالیت اقتصادی به شیوه تعاونی و افزایش تولید ملی و ارتقای
سطح درآمد و رفاه خانواده؛

۱۱- حمایت دولت از ایجاد و تشکیل مؤسسات اعتباری غیربانکی تعاونی زنان یا صندوق‌های اعتباری
تعاونی مخصوص زنان با سرمایه و مدیریت آنها به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز تعاونی‌های
سراسر کشور؛

۱۲- اعطای تسهیلات مالی به طرح‌های تولیدی و خدماتی تعاونی‌های تازه تأسیس زنان.